

المراقبات



مرحوم آیت الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی (ره)
مترجم : ابراهیم محدث بندرویگی

شرافت این ماه

این ماه برای سالک الی الله بسیار با ارزش است . یکی از شبهای قدر در این ماه می باشد و کسی در آن متولد شده که خداوند بواسطه او وعده پیروزی به تمامی دوستان ، پیامبران و برگزیدگانش - از زمانی که پدر ما حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) در زمین ساکن شده - داده است . و وعده داده ، بوسیله او، بعد از پر شدن زمین از ظلم و جور، آن را پر از قسط و عدل نماید - که در جای خود بطور مفصل به آن خواهیم پرداخت . و از مقام آن همین بس که ماه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده و حضرتش (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ((شعبان شهری ؛ رحم الله من اعاننی علی شهری ؛ شعبان ماه من است ، خداوند کسی را که مرا در ماهم یاری کند، بیامرزد.))

کسی که از این دعوت بزرگ آگاه شود، باید بکوشد که از دعوت شدگان این دعوت گردد. این جانشین و برادر او امیرالمؤمنین است که می فرماید: ما فاتنی صوم شعبان مذ سمعت منادی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) ینادی فی شعبان ؛ فلن یفوتنی ایام حیاتی ان شاء الله ؛ از زمانی که ندای منادی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را که برای روزه این ماه ندا می کرد شنیدم ، هیچگاه روزه این ماه را از دست نداده و در تمام عمرم آن را از دست نخواهم داد؛ اگر خدا بخواهد.)) این درباره روزه این ماه بود؛ و می توان کمک به آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) را از جهات دیگر مانند نماز، صدقه ، مناجات و تمام کارهای خیر با روزه این ماه مقایسه نمود.

مناجات شعبانیه

این مناجات ، مناجات معروفی است . و اهلش بخاطر آن با ماه شعبان مءنوس شده و بهمین جهت منتظر و مشتاق این ماه هستند. این مناجات شامل مطالب اساسی در مورد چگونگی

معامله بندگان با خدای بزرگ بوده و آداب خواستن ، دعا و طلب آمرزش از او را، آنگونه که شایسته است ، بیان می کند و استدلالهای جالب توجهی جهت امیدوار شدن به درگاه خدا که با مناجات با او مناسب است در بر دارد. و بروشنی ، ملاقات ، نزدیکی و دیدن خدا را معنی می کند و به این ترتیب شبهه های سالک ، شکهای منکر و وحشت اهل شک را برطرف می کند. و نیز اشاره ای به شناخت نفس و این که شناخت آن باعث شناخت پروردگار است دارد بنابراین تفسیر بعضی از فرازهای آن توسط یکی از بزرگان اهل معرفت .

تمام کلام این که این مناجات ، از اعمال مهم این ماه است ؛ و نه تنها ماه ، که سالک نباید بعضی از فرازهای آن را در طول سال ترک کند و در قنوتها و سایر حالهای عالی خود، خیلی با آن مناجات نماید و وقتی که می گوید: و اءبصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک ، حتی تخرق اءبصار القلوب حجب النور، فتصل الی معدن العظمه ، و تصیر اءرواحنا معلقه بعز قدسک ؛ و دیدگان قلبهای ما را با نور نگاه آن به حضرتت روشن بفرما تا آنگاه که چشمهای دل پرده ها و مانعهای نوری را پاره کرده و به معدن بزرگی برسد و روحهای ما به عزت پاکیت وصل شود. از گفته خود غافل نباشد. و تامل کند، آیا قلب او چشم دیدن نور را دارد؟ پرده های نوری چیست ؟ و معدن بزرگی که در پوشش پرده های نوری می باشد، کدام است ؟ تا بداند چه می گوید و از پروردگارش چه می خواهد. چون کسی که نمی داند از خدا چه می خواهد نمی توان گفت : فلان چیز را خواسته ؛ بلکه باید گفت : الفاظی را به زبان آورده است . خداوند در قرآن می فرماید: ((ای کسی که وقتی او را بخوانند، به داد بیچاره رسیده و گرفتاری او را برطرف می کند.)) و می فرماید: ((بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.)) نیز می فرماید: ((از فضل خدا بخواهید، زیرا خدا با شما مهربان است.)) و نمی فرماید: الفاظ را بزبان آورید.

بهر حال این مناجات بزرگی است و یکی از ارمغانهای آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد که بزرگی آن را کسی که قلب سالم و گوش شنوایی داشته باشد، درک می کند. و اهل غفلت از درک فواید و نورهای آن بی بهره اند.

ارزش نعمت مناجات

بیشتر مردم قدر نعمت مناجات را نمی دانند. مناجات شامل معارف بالایی است که بجز اهلش که همان اولیای خدا هستند و از طریق کشف و شهود به آن رسیده اند، کسی از آن آگاهی ندارد. و رسیدن به این معارف از راه مکاشفه از بهترین نعمتهای آخرت است که قابل مقایسه با هیچکدام از نعمتهای دنیا نیست. امام صادق (علیه السلام) در این فرمایش، ارزش این نعمت را این گونه بیان می کنند: ((اگر مردم برتری شناخت خدا بر سایر نعمتها را می دانستند، به زیباییهای زندگی دنیا که در اختیار دشمنان ما گذاشته شده، چشم نمی دوختند؛ در نعمت شناخت خدا قرار گرفته و مانند لذت کسی که همیشه در بهترین جاهای بهشت با دوستان خدا بسر می برد، از آن لذت می بردند...))

سایر اعمال این ماه

۱- از اعمال مهم در این ماه روزه است؛ باندازه ای که با حالش مناسب باشد. و بهتر است اگر مانعی نبود - گر چه این مانع رجحان روزه نگرفتن باشد - تمام ماه را بجز یک یا دو روز آخر آن را روزه بگیرد؛ و با این یک یا دو روز بین روزه این ماه و روزه رمضان فاصله بیندازد. و اگر این مقدار را نمی تواند، بمقدار زیادی روزه بگیرد تا وارد دعوت مقدس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شده و از کسانی باشد که حضرتش (صلی الله علیه و آله و سلم) را یاری می کنند و گمان نمی کنم با یک یا دو روز روزه گرفتن وارد این دعوت شود و از کسانی باشد که بتوان گفت: به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کمک کرده است.

درباره روزه هر کدام از روزهای این ماه اخبار مفصلی وارد شده است . و من فقط روایتی را که در کتاب ((من لا یحضره الفقیه)) آمده است ، نقل می کنم . امام صادق (علیه السلام) فرمود: ((کسی که روز اول ماه را روزه بگیرد، حتما وارد بهشت می شود. و کسی که دو روز را روزه بگیرد، خداوند در هر شب و روزی (به چشم رحمت) به او می نگرد و در بهشت هم به این نگاه ادامه می دهد. و کسی که سه روز روزه بگیرد، با خداوند در عرش و بهشت او دیدار می کند.))

سید بن طاووس (قدس سره) جهت توضیح دیدن خدای متعال ، در کتاب اقبال می گوید: ((شاید منظور از دیدار خدا در عرش این باشد که عده ای از بهشتیان در جایی از عرش باشند که هر کس به آنجا برسد به او می گوید: خدا را دیده است ؛ چنانچه خداوند کعبه مشرفه را منزل خود قرار داده و هرکس به دیدن آن برود، می گوید: به دیدن خدا رفته است .))

معلوم نیست سید بن طاووس (قدس سره) می خواهد دیدار با خدا یا دیدار با خدا در عرش را توضیح بدهد. گر چه ظاهر کلامش این است که در صدد توضیح چگونگی اصل دیدن خداست ولی در کتاب ((فلاح السائل)) در ذیل فرمایش امام صادق (علیه السلام) که می فرماید: ((آنقدر آن (آیه) را تکرار کردم تا آن را از گوینده اش شنیدم ...))، کلامی دارد که در آن به دیدن و ملاقات معنوی خداوند تصریح می کند؛ بگونه ای که منافاتی با منزله دانستن خدا از جسم بودن ندارد. بهر حال این توجیهات لازم نیست و واقعا خدا را می بیند؛ چنانچه در مناجات شعبانیه نیز از این مطلب با عبارات ذیل تعبیر شده است : حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور؛ فتصل الی معدن العظمه ؛ و تصویر ارواحنا معلقه بعز قدسک ؛ تا دیدگان قلب موانع نوری را پاره کرده و آنگاه به معدن بزرگی برسد؛ و روحهای ما به عزت پاکیت وصل شود. و دیدن باین شکل هیچ منافاتی با اعتقاد ما مبنی بر جسم نداشتن خداوند ندارد؛ تا احتیاج به

تفسیر آن باشد، و شاید سید بن طاووس (قدس سره) با این کلام می خواسته دیدار عرش را توضیح بدهد؛ نه اصل دیدار را.

۲- از اعمال مهم در این ماه صلواتی است که در نیمروز هر روز این ماه فرستاده می شود؛ و اول آن چنین است . اللهم صل علی محمد و آل محمد، شجره النبوة ...

۳- یکی دیگر از اعمال این ماه ، همانگونه ای که در کتاب اقبال است بجا آوردن نماز و خواندن دعاهای این شبهاست . سالک باید در رابطه با این اعمال جدی بوده ، و به هر کدام از ذکر و فکر و این اعمال که نشاط دارد، با در نظر گرفتن اولویتها اقدام کند. و این مطلب را نیز در نظر داشته باشد که عمل به روایتی که متضمن این اعمال است ، بخاطر تسامح در مدرک اعمال مستحبی است . و معمولا بهتر است هم به اعمال راحت و آسانی که می توان با نشاط آن را انجام داد و هم به عبادات روزمره ، با در نظر گرفتن حال خود، بپردازد.

۴ - یکی دیگر از کارهای مهم در این ماه عمل به این روایت است . امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: ((در هر پنجشنبه شعبان آسمانها زینت شده و آنگاه فرشتگان عرض می کنند: خدای ما! روزه داران شعبان را ببخش و بیامرز و دعایشان را اجابت فرما. بنابراین کسی که دو رکعت نماز بجا آورد که در هر رکعت سوره ((فاتحه)) را یک بار و ((قل هو الله احد)) را صد بار بخواند و بعد از سلام دادن صدبار بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درود فرستد، خداوند تمام خواسته های دینی و دنیایی او را برآورده می فرماید. و کسی که یک روز آن را روزه بگیرد، خداوند بدن او را بر آتش حرام می کند. *

سوم شعبان

این روز بجهت تولد امام حسین (علیه السلام) در آن روز بزرگی بوده و سالک باید بمقدار توانایی با روزه ، زیارت ، دعاهایی که در این روز وارد شده و سایر طاعتها، شکر این روز را بجا

آورد. در چنین روزی فطرس ملک سلامتی بالهای خود را بدست آورد. سالک نیز می تواند این روز را پناه خود قرار داده و با آن نجات پیدا کند. و دو بال روح و عقل خود را بدست آورده تا بتواند با اهل معنی در آسمانهای قرب و رضوان پرواز کند. باید توجه داشت که ، همانگونه که اهل بیت در این روز خوشحالیشان بخاطر تولد آن حضرت (علیه السلام) همراه با اندوه و عزا بود، سالک نیز باید چنین باشد. و در پایان مانند روزهای شریف این روز را به پایان برساند.

نیمه شعبان

روز و شب نیمه شعبان زمان بسیار شریفی است که جهات زیادی باعث این شرافت و بزرگی شده است . از قبیل :

(الف از شبهای قدر می باشد و شب تقسیم رزقها و عمرها چنانچه در روایات زیادی وارد شده است . و در بعضی از آنها آمده است : ((خداوند این شب را برای امت قرار داده است ؛ چنانچه شب قدر را برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار داده . - و این اشکال که بنابراین ، لازم می آید که شب قدر، بیش از یک شب باشد را می توان به این بیان پاسخ گفت که تقدیر، مراتب و مراحل گوناگونی دارد.

(ب از اوقات زیارتی امام حسین (علیه السلام) می باشد که غیر از فرشتگان صد هزار پیامبر (علیهم السلام) آن حضرت (علیه السلام) را زیارت می کنند. و این مطلب نشانه عظمت این شب است .

(ج از شب هایی است که تاءکید به زنده نگهداشتن آن شده و اعمال و عبادات بسیار ارزشمندی در آن وارد شده که می توان گفت : در هیچ شبی - اعم از شب قدر یا غیر آن - مانند یا بیشتر از آن نیامده است .

د شب میلاد امامی است که گیتی را از عدالت پر کرده ، زمین را پاک می نماید و در تمام زمینه های دینی و دنیایی حاکمیت دارد.

اعمال مهم شب نیمه شعبان

۱- اولین کاری که سالک باید در این شب انجام دهد این است که از لذت و آسایش دنیا در این شب چشم پوشی نماید. و آنگاه برای استفاده بیشتر از آن و تصحیح اعمال خود باید فرض کند که شب خداحافظی او با این دنیا و تمام اعمال بوده و فردای آن روز قیامت است . و نیز قبل از فرا رسیدن شب باید اعمالی را که در آن می خواهد انجام بدهد مشخص نماید و اگر دو عمل در فضیلت یکسان بود سخت تر را انتخاب کند.

۲- از اعمال مهم نمازهایی است که وارد شده است :

(الف صد رکعت نماز با هزار ((قل هو الله احد)) که فضیلت این نماز بیش از نماز بعدی است .
(ب چهار رکعت که در هر رکعت پنجاه یا صد یا دویست و پنجاه بار ((قل هو الله احد)) خوانده می شود. و پس از آن خواندن دعایی که با این عبارت شروع می شود: ((اللهم انی الیک فقیر...))

(ج دو رکعت نمازی که در این روایت آمده است : ((شیخ طوسی بنقل از ابی یحیی می گوید از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم برترین دعاها کدام است ؟ حضرت (علیه السلام) فرمودند: بعد از خواندن نماز عشا دو رکعت نماز بخوان ؛ در رکعت اول سوره ((حمد)) و ((جحد)) و در رکعت دوم سوره ((حمد)) و ((اخلاص)) را بخوان و بعد از این که سلام دادی ، سی وسه مرتبه ((سبحان الله)) و سی وسه مرتبه ((الحمد لله)) و سی و چهار مرتبه ((الله اکبر)) بگو؛ سپس بگو: ((یا من الیه یلجا العباد...)) آنگاه سجده کن و بیست بار ((یارب))، هفت بار ((یا الله))، هفت بار ((لا حول و لا قوه الا بالله)) بگو و سپس بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

صلوات فرستاده و حاجت خود را از خدا بخواه . بخدا سوگند اگر با این عمل بعدد قطرات باران از خداوند حاجت بخواهی با کرم و فضل خود تو را به خواسته هایت می رساند.

البته این حدیث با روایات دیگری نقل شده که در مسجد با هم فرق دارند. برای روشن شدن مطلب به کتاب اقبال مراجعه کنید.

و اگر شب طولانی بود و کسی توانست هم این دو رکعت و هم صد رکعت با هزار قل هو الله را بجا آورد به خیر بزرگی رسیده است ؛ زیرا علاوه بر معتبر بودن روایت ، ثواب این دو نماز به اندازه ای است که انسان از تصور آن عاجز است .

(۳-از اعمال مهم عمل به حدیثی است که در کتاب اقبال روایت شده : ((رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: شب نیمه شعبان در خواب بودم که جبرئیل آمد و گفت : محمد! چرا در این شب خوابیده ای ؟ گفتم : جبرئیل ! مگر چه شبی است ؟ گفت : شب نیمه شعبان است . محمد! برخیز. آنگاه مرا بلند کرده و به بقیع برد، سپس گفت : سرت را بلند کن ، زیرا این شبی است که درهای آسمان در آن باز می شود: درهای رحمت . درِ ((رضوان))، درِ ((مغفرت)) درِ ((فضل)) ((توبه)) درِ ((نعمت)) درِ ((جود)) و درِ ((احسان)). و خداوند به عدد موها و پشمهای گاو و گوسفند - مردم را از آتش جهنم - آزاد می کند؛ زمان مرگ را در آن ثبت کرده و بمدت یک سال روزیها را تقسیم می کند؛ و هر چه را که در تمام سال اتفاق می افتد فرو می فرستد.

محمد! کسی که این شب را با گفتن ((الله اکبر))، ((سبحان الله)) و ((لا اله الا الله)) و دعا و نماز و قرآن خواندن و انجام اعمال مستحب و استغفار کردن زنده نگهدارد بهشت منزل و استراحتگاه او خواهد بود و گناهان گذشته و آینده اش بخشیده می شود.

محمد! کسی که در این شب صد رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت ((فاتحة الكتاب)) را یک بار و ((قل هو الله احد)) را ده بار بخواند و بعد از فراغ از نماز، ده بار ((آية الكرسي)) و ده بار ((فاتحة الكتاب)) خوانده و صد بار سبحان الله بگوید، خداوند صد گناه کبیره که باعث هلاکت و ورود او در آتش می باشند را، می بخشد؛ و در مقابل هر سوره و تسبیحی کاخی در بهشت به او عنایت می کند؛ و توانایی شفاعت صد نفر از بستگانش را به او داده و او را در ثواب شهدا شریک می کند و آنچه به روزه داران این ماه و عبادت کنندگان این شب می دهد، به او نیز عنایت می کند؛ بدون این که پاداش آنان را کم کند.

پس این شب را زنده بدار و شب زنده داری و نزدیکی به خدا، با عمل در این شب ، را به امتت دستور بده ؛ زیرا شب شریفی است . در حالی نذرت آمدم که تمام فرشته ها در آسمان پاهایشان را جفت کرده اند: عده ای تسبیح می کنند، عده ای در رکوع ، عده ای در سجود و گروهی ذکر می گویند. شبی است که کسی دعا نمی کند مگر این که مستجاب می شود؛ کسی چیزی نمی خواهد مگر این که مستجاب می شود؛ کسی چیزی نمی خواهد مگر این که به او داده می شود؛ کسی درخواست مغفرت و بخشش نمی کند، مگر این که بخشیده می شود. کسی توبه نمی کند مگر این که توبه اش پذیرفته می شود. کسی که از خیر این شب محروم شود، از خیر بزرگی محروم شده است .

رسول خدا در این شب دعا می کرد و می گفت : ((اللهم اقسم لنا من خشيتك ...))

در روایت دیگری ، راوی حدیث می گوید: ((سی نفر از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من گفته اند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که این نماز را در این شب بجا آورد، خداوند هفتاد نگاه - رحمت - به او می کند؛ و با هر نگاه هفتاد خواسته او را برآورده می کند، که کوچکترین آن بخشیدن گناه است . و اگر بدبخت باشد و سعادت

بخواهد، خداوند او را سعادت‌مند می‌کند. و خداوند هر چه را بخواهد، محو کرده و ثبت می‌کند و حوادث عالم را به خواسته خود تغییر می‌دهد و اصل کتاب (آفرینش) نزد او است؛ (۱۶) و اگر پدر و مادرش اهل آتش باشند، و چیزی را شریک خدا ندانسته باشند، از آتش خارج می‌شوند. کسی که این نماز را بخواند، هر حاجتی را که بخواهد، خداوند برآورده نموده و چیزهایی را که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده، برای او در بهشت آماده می‌کند. سوگند به کسی که من را بحق به پیامبری برانگیخت، کسی که به خاطر خدا این نماز را بجا آورد، خداوند بهره‌ای از پاداش تمام کسانی که خدا را در این شب عبادت کرده‌اند، به او عنایت نموده و به نویسندگان بزرگوار اعمال امر می‌کند که برای او نیکی نوشته و گناهان او را پاک کنند تا جایی که گناهی نماند؛ و تا زمانی که جای خود را در بهشت نبیند، از دنیا نمی‌رود؛ و خداوند فرشتگانی فرستاده با او مصافحه نموده و به او سلام کنند؛ و در روز قیامت با افراد بزرگوار و خوبی خواهد بود؛ و اگر قبل از پایان سال بمیرد، شهید شده، و می‌تواند هفتاد هزار نفر از یکتا پرستان را شفاعت نماید. بنابراین کسی در برخاستن برای عبادت در این شب سستی نمی‌کند مگر آدم بدبخت.)) و نیز می‌گوید: ((سید یحیی بن الحسین در کتاب امالی حدیثی را به مولای ما علی (علیه السلام) نسبت داده که آن حضرت (علیه السلام) فرمودند: کسی که شب نیمه شعبان صد رکعت نماز با هزار قل هو الله احد بجا آورد، روزی که قلبها می‌میرند قلب او نخواهد مرد؛ و از دنیا نمی‌رود تا زمانی که صد فرشته را ببیند که او را از عذاب خدا پناه می‌دهند: سی تا از این فرشتگان بهشت را به او مژده داده؛ و سی تای دیگر او را از شیطان حفظ می‌کنند؛ و سی تای دیگر در شب و روز برای او استغفار می‌کنند و ده تای دیگر با کسی که با او در افتد، می‌جنگند.))

ای بیچاره به خودت که اسیر کارهای بد گذشته ات هستی ، رحم کن . و خود را از بارهای گرانی که بر پشت داری و از اعمال زشت گذشته ات بوجود آمده ، رها کن . همین ها بدبختی های بزرگی را برایت در پی دارند. به روزی می رسی که می گویند: ((راه فرار کجاست ؟ هرگز پناهگاهی نیست . به جز درگاه خدا آرامشگاهی نیست . در این روز به انسان خبر می دهند که در اول و آخر عمر چه کرده است.)) (۱۷) انصاف بده ، آیا به وعده های خدا و روز دیگر و پاداش اعمال ایمان داری ! آیا در برابر خود جائی را می بینی که پیامبران به جهت آن گریه کرده دوستان خدا از آن لرزیده و هنگام یادآوری آن متقین غش می کنند. تو را چه می شود که از آنچه پیامبران معصوم خدا و فرشتگان پاک می ترسیدند، ایمن هستی ! آیا چیزی می بینی که آنها نمی بینند! یا کار خیری انجام داده ای که آنها انجام نداده اند! یا از چیزی پرهیز کرده ای که آنها پرهیز نکرده اند! یا از فریب خدا غافل هستی ! و بجز فاسقان کسی از مکر خدا غافل نیست .

درباره خود بیندیش ((روزی که فرشته بزرگ ، روح القدس و فرشتگان دیگر بصورت منظم و صف کشیده برخیزند، کسی سخنی نمی گوید مگر آن که خدا به او اجازه داده و سخن درست بگوید.)) و فرض کن اجازه دادند صحبت کنی ، آیا جواب درستی برای سؤال خدای متعال داری ؟ در حالی که اصلاً معلوم نیست به تو اجازه بدهند صحبت کنی ؛ یا ممکن است بگوید: ((دور شوید و با من حرف نزنید.))

آنگاه در مورد وعده خدای متعال در مورد این عمل کم - صد رکعت نماز در یک شب - فکر کن . آیا عاقل در این مورد سهل انگاری می کند! به خود خطاب کن : ای کسی که ادعای ایمان به وعده های خداوند متعال داری ، درباره این منافع بزرگ و بسیار با ارزش چه می گویی ؟ آیا می توانی قیمتی مانند منافع دنیوی و نعمتهای پست دنیا بر آن بگذاری ! کاخی از

کاخهای بهشت را که خدا در مقابل یک تسبیح در این شب به تو وعده داده ، قیمت گذاری

کنی ؛ کسی می تواند بفهمد چه کرامتهایی در آن نگاه نهفته است !

سپس به حال خود بیندیش و ببین چقدر به دنیا حریص هستی ! چگونه بخاطر از بین رفتن کالاهای با ارزش از تأسف می میری ! همان کالاهایی که در مقابل کوچکترین کالاهای آخرت بی ارزش هستند.

علت بی علاقگی به پاداش آخرت و علاقه به نعمتهای دنیا، چیزی جز ضعف ایمان به جهان غیب و لوازم آن است ! اگر چنین بود، وای بر تو که در آینده به خدا و فرشتگان و کتابهای خدا و پیامبران و روز قیامت کافر شده ، گمراه می شوی و ور شکسته می گردی ؛ و باید خود را برای آتشی که خداوند به افراد بی ایمان به خدا وعده داده است ، آماده کنی . زیرا ایمان ضعیف با علتی ناچیز و ترس کمی از بین می رود. بخصوص در بیماری مرگ که حواس آشفته می شود. بنابراین اگر ایمان محکم و استوار نباشد، شاید امانتی بوده و در سختیهای مرگ تبدیل به کفر شود. پس در زمان عافیت خود را برای بلا و در زمان سلامتی خود را برای بیماری آماده کن . در روزهای مهلت ، فرصت را غنیمت شمار، قبل از این که فرستادگان خدا بیایند و بخواهی یک ساعت به عمرت اضافه شود ولی جواب بدهند تمام شد و به لحظه ای راضی شوی ولی ندهند. بنابراین برای نجات خود این اعمال مهم را انجام بده ؛ و مانند غریق خدا را در این وقتیهای شریف بخوان ؛ و مانند کسی که در آتش گرفتار است ، بوسیله دوستان و اولیایش به او متوسل شو؛ زیرا کریم است و کرامت به بندگان بیچاره اش را که به درگاه او پناه آورده باشند و به دوستانش متوسل شده باشند، دوست دارد. در حالی که تمام درها باز است از کدام در وارد می شوی ! از در رحمت یا خوشنودی یا بخشش گناه یا توبه یا فضل یا

نیکوکاری یا نعمت یا سخاوت و بخشش . و اهل هر در نیز کسی است که متصف به صفت آن در، باندازه توانایی باشد.

بهره ات از در رحمت این است که به بندگان غافل خدا رحم کنی ، و آنان را با وعظ و نصیحت و لطافت و بدون درشتی و خشونت ، از راه غفلتی که دارند براه خدا آوری ؛ و به گناهکاران با چشم رحمت نگاه کنی نه با چشم آزار و اذیت . و نیز تمام گناهیانی که در دنیا انجام می شود را مانند گناهان خود در نظر بگیر و سعی کن به اندازه توانایی آن را از بین ببری با این هدف که مبدا خشم خدا شامل حال تو شده و سزاوار ممنوعیت از همسایگی خداوند شود. و نیاز هر نیازمندی را به اندازه توان برآور و اگر نتوانستی برایش دعا، و با او همدردی کن .

و بهره ات از در خوشنودی این است که از خدای خود خوشنود باشی و بالاتر، او نیز از تو خوشنود باشد، زیرا این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند. و به آسانی از خلق خدا راضی شده و با آنان خشونت و بداخلاقی نکن .

و بهره ات از در ((بخشش گناه)) این است که به اندازه گناهت از خداوند آمرزش بخواهی با شرایطش . و از تمام مخلوقات خدا که به گردن تو حقی دارند، به اندازه ظلم و بدی و جفایت پوزش بخواهی و کسانی را که به گردن آنان حقی داری ببخشی و عذر کسانی را که معذرت می خواهند، بپذیری .

بهره ات از در ((توبه)) نیز این است که در آینده هیچ گناه یا عمل مکروهی را انجام نداده ، نسبت به خلق و خالق بدی نکرده و گذشته را تا آنجا که می توانی جبران کنی .

بهره ات از در ((فضل)) نیز این است که در رابطه با حق خدا بمقدار واجب راضی نشده ؛ و در رابطه با حق مردم نیز به عدل و مساوات کفایت نکرده ، و طوری رفتار کنی که خیر تو برای

آنان بیشتر از خیر آنان برای تو باشد. و یکی از اینها این است جواب سلام را بهتر از سلام آنان بدهی .

و بهره تو از در ((نیکوکاری)) این است که خدا را طوری عبادت کنی که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی ، او تو را می بیند، به کسی که با تو بدی کرده ، نیکی کنی و کسی را که به تو ظلم کرده ببخشی و با کسی که از تو بریده بپیوندی .

و بهره ات از در ((بخشش و سخاوت)) این است که تمام وجودت را در راه خدا نثار کنی - زیرا او شایسته این است - و خیرت را برای مردم افزایش دهی ؛ البته نه به جهت نیازی که به آنان داری .

این درها باز هستند، بخصوص در این شب . و اکنون تو از کدام در می خواهی بر خدایت وارد شوی ؟ باندازه فضیلت در و باندازه بهره ای که از آن در داری ، از خود کرامت نشان بده ، و برای بدست آوردن این صفات بیشتر از افزایش شکل و قالب عبادات کوشش کن . زیرا نور نماز بنده ای که خود را با این صفات آراسته است ، هزار بار یا بیشتر افزونتر از نور نماز بنده ای است که به این صفات متصف نباشد. خدای پر فضلی که بر جمیع مخلوقات منت داشته و بخشنده فضل می باشد هرگز با کسی که متصف به صفت فضل باشد با عدل خود رفتار نکرده ، پاداش زیادی به عمل کم او داده ، پاداش عمل او را بی اندازه زیاد می کند و گناهان او را به چندین برابر عمل نیک تبدیل می نماید.

(۴-بجا آوردن سجده هایی که دعاهاى مخصوصی در آن خوانده می شود، و در بعضی از آن دعاها به سه مقام بلند انسانی اشاره شده است . آنجا که می گوید: ((سجد لک سوادى و خیالى و بیاضى)) از این عبارت به خوبی روشن می شود که انسان سه عالم دارد: عالم محسوس ، که انسان در این عالم مرکب از ماده و مقدار است و عالم مثال که مرکب از شکل و روح بوده و

عالم حقیقی یعنی عالمی که حقیقت انسان همان بوده و انسانیت انسان وابسته به اوست ؛
عالمی که عاری از شکل و ماده است . و همین عالم ، عالم الهی اوست که اگر کسی آن را
بشناسد پروردگارش را شناخته است . یعنی شناخت این عالم وسیله ای برای شناخت خدای
متعال است .

(۵-نزدیکی جستن به امام زمان (عج) کسی که حجت عصر، ولی امر، راز دارنده بزرگ ،
صاحب غیبت الهی و دعوت پیامبر گونه ، وارث پیامبران و جانشین جانشینان ، مظهر عدل
خدا، برافرازنده پرچمهای هدایت ، از بین برنده ستمگران و منکرین حق ، ریشه کن کننده
دشمنان ، گمراه کنندگان و کافران ، پاک کننده آثار انحراف و هواپرستی ، گردآورنده تمام
سخنان حول محور تقوی ، حجت و نشانه بزرگ خدا، نصر و فتح نزدیک خدا، رابط آسمانیان و
زمینیان ، تربیت کننده عالم ، سلطان بزرگ ، مولای کریم ، مایه نگهداری ما از لغزشها، آقا،
امام و مولای ما امام قائم مهدی است ، جان ما و تمام جهانیان بفدایش که می توان با زیارت ،
مناجات ، عرض شوق و شکایت از دوری او، دعا، نماز، دلسوختگی از دوری او، شکر نعمتها،
اهداء طاعات ، بذل جان ، توسل ، پیوستن ، پناه جستن و درخواست کمک ، پیروزی و فیض و
شفاعت به آن حضرت (عج) نزدیک شد.

انسان باید بیندیشد که چه سعادهایی را به جهت غیبت از دست داده و به دیگران بنگرد که
چگونه در قلمرو او تصرف نموده ، و حق حکومت او را غصب نموده و بر دوستانش حکمرانی
می کنند؛ ظالمانه آنان را به سوی امیال خود می برند و آنگاه از تمام این مسائل بدرد آمده ؛ و
به خداوند بخاطر آن شکایت کند، و او را با سوز دل صدا زده ، فرج او را بخواهد و برای او
تضرع و زاری کند که بر او منت گذاشته و دیدار جمال ، فرمانبرداری کامل ، رسیدن به
خوشنودی و راهنمایی با هدایت او را نصیبش نماید. و مانند کسی که قبل از تولد پدر را از

دست داده و منتظر آمدن و سرپرستی اوست ، در تمام حوادث ، وجود او و فرمانرواییش را به یاد آورد.

برادری داشتیم که بعد از فوت پدرم به دنیا آمد، و بعد از این که فهمید که پدرش از دنیا رفته است ، فکر می کرد پدرش زنده است و دنبال پدر بود و در هر کار کوچک یا بزرگی او را بیاد می آورد؛ و این که او می آید و چنین و چنان می کند. تو نیز نباید پدرت را بیش از امامت که پدر روحانی و حقیقی تو است دوست بداری ؛ کسی که علت ایجاد روح و جسم و تمام نعمتهای تو و از جانب پروردگار رهبر کامل می باشد. کارها و سخنانت باید نشان دهنده این باشد که امامت را از دست داده ، منتظر ظهور و خواهان رسیدن به او می باشی . و در زمان غیبت آنچنان وفاداری از خود نشان بده ، که ادعای وابستگی را به آن حضرت تصدیق کند. زیرا افراد بزرگوار در زمان غیبت چنان وفاداری از خود نشان می دهند که در زمان حضور نشان نمی دهند. و هدف تو از آرزوی ظهور و دیدارش نباید چیزی جز ظهور و دیدار او باشد. زیرا دیدار و نزدیک شدن به او بالاترین اهداف بوده و بقیه هدفها مقدمه ای برای رسیدن به این هدف است . شناخت ، نزدیکی و خوشنودی او پایان کارها و آرزوهاست .

۶- خواندن دعایی که با این عبارت شروع می شود: ((اللهم بحق ليلتنا و مولودها...))

۷- زیارت امام حسین (علیه السلام) و حضور در آرامگاه شریف آن حضرت (علیه السلام)؛ که در روایات خیلی نسبت به آن سفارش شده است . و باید او را با زیارت مخصوص این شب زیارت کند.

۸- خواندن دعای کمیل در سجده ، بخاطر پیروی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کتاب اقبال از شیخ طوسی روایت شده است که ((کمیل ، امیرالمؤمنین را در شب نیمه شعبان در حال خواندن این دعا مشاهده کرد.)) و می گوید: در روایت دیگر آمده است : ((کمیل بن زیاد

گفت : با مولایم امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد کوفه نشسته بودم ؛ عده ای از اصحاب آن حضرت (علیه السلام) نیز همراه او بودند، یکی از آنان گفت : معنی این آیه چیست ؟ ((فیها یفرق کل امر حکیم ؛ در آن شب هر چیزی با حکمت ، مشخص و معین می شود)) حضرت (علیه السلام) فرمودند: منظور شب نیمه شعبان است ؛ سوگند به کسی که جان علی بدست اوست ، بنده ای نیست مگر این که تمام خیر و شری که به او می رسد در شب نیمه شعبان قسمت می شود و این خیر و شرها از شب نیمه شعبان تا شب نیمه شعبان سال بعد به او می رسد. و بنده ای که این شب را زنده داشته و با دعای خضر به درگاه خدا دعا نماید، دعای او اجابت می شود.

وقتی که امیرالمؤمنین بازگشت ، شبانگاه به دیدار او رفتم . فرمود چرا آمدی ؟ گفتم : برای دعای خضر؛ فرمود: بنشین کامل ! اگر دعا را حفظ کنی و در شبهای جمعه ، یا ماهی یک بار، یا سالی یک بار، یا در تمام عمر یک بار با آن دعا کنی ، باعث کفایت ، یاری ، رزق ، و آمرزش تو خواهد شد. کامل ! به خاطر این که مدتی طولانی با ما بوده ای باید آنچه را که خواستی به تو بدهیم ، سپس فرمود: بنویس : اللهم انی اسئلك برحمتک التی وسعت کل شیء...

سالک باید این دعا را با حضور قلب بخواند، باید بداند چه می گوید.

و چیزهایی را که با حال خود سازگار نیست ، نباید بگوید. و موقعی که می گوید: ((پروردگار و آقا و مولایم ! فرض کن عذابت را تحمل کردم ، جدائیت را چگونه تحمل کنم ؟)) سعی کند که در این دعا که جدایی از پروردگارش از عذاب جهنم برایش سخت تر است ؛ راستگو بوده و راضی نشود در چنین حالی ، به خدایی که عالم به پنهانی هاست ، دروغ بگوید؛ و با این عمل حکومت خدا را سبک شمارد.* کسی که می خواهد در این ادعا راستگو باشد، باید معنی وصل شدن به خدا را - گرچه اجمالا - بداند تا بتواند ادعا کند که جدا شدن از این نعمت و سرور

برای او سخت تر از عذاب خداست ؛ و نیز درباره ماهیت هر چیزی که در دعا و مناجاتش از خدا می خواهد فکر کند تا دعایش مناجاتی واقعی باشد و طوری نباشد که معنی دعایی را که می خواند، نداند. و از این جمله که در اواخر دعایش می گوید، غافل نشود: ((و اجتمع فی جوارک مع المؤمنین ؛ تا در همسایگی تو با مؤمنین باشم)) و کسی که در مناجات خود غافل باشد و فراموش کند که چه می خواهد و چه کسی را صدا می زند، خطر بزرگی او را تهدید می کند.

۹- زیارت امام حسین (علیه السلام) در بارگاه شریف یا از مکانهای دور. زیارت آن حضرت (علیه السلام) نماز و عمل مخصوصی دارد که در کتاب اقبال آمده است . و کسی که او را زیارت کند، مانند کسی است که خدا را در عرش او زیارت کرده باشد.

علاوه بر زیارت ، بنده مراقب باید بیندیشد که چرا خداوند متعال این همه ثوابهای بزرگ برای زیارت امام حسین (علیه السلام) قرار داده است ، بگونه ای که اعلام نموده زیارت او بعد از شهادت او و در آرامگاهش مانند زیارت خدا در عرش می باشد. و همه نمی توانند به علت این مطلب پی ببرند. حتی سید و دانشمند بزرگوار ((سید مهدی بحرالعلوم)) علت آن را از شیخ بزرگ و عارف ((شیخ حسین)) معروف به ((نجف)) می پرسد. و سؤال می کند چرا در روایات این همه ثواب برای زائر امام حسین (علیه السلام) و گریه کننده بر او وارد شده و عقل چگونه می تواند این همه پاداش را برای این اعمال کم و کوچک بپذیرد؟ شیخ جواب می دهد: امام حسین (علیه السلام) با تمام مقامهایی که داشت مخلوق و محتاج و بنده خدا بود و با این حال تمام وجود خود را اعم از مال ، مقام ، آبرو، برادران ، فرزندان کوچک و بزرگ ، جان و حتی بدن خود را بعد از کشته شدن ، به خاطر دوستی و رضایت خدا داد. و فکر می کنی اگر خداوند تمام دارایی خود را به امام حسین (علیه السلام) بدهد زیاد باشد. در اینجا سید به این

اگر ببیند، در اعمالش ، کوتاهی کرده یا آفتی دارد، با توسل به نگهبان شبش که از معصومین (علیهم السلام) می باشد، آن را جبران کرده و با اهدای سلام به او عرض کند: ((ای کسی که خداوند تو را از میان بندگان انتخاب کرده ، و نگهبانی و حامی آنان نموده ، تو را به این انتخاب سوگند می دهم که با چشم رحمت به بدبختی من نگریسته و به سستی ، نادانی ، بی چیزی ، ورشکستگی ، نداری و بلایم رحم کنی و از خدا بخواهی من را قبول و از من خوشنود شود و مرا در این شب در حاجت و دعایت ، و شفاعت و شیعانت ، وارد نمایی و نیز از خدا بخواهی خیر و ارشاد خود را نصیبم کند؛ مرا تقویت کرده و موفق کند و تمام خیرهای دینی و دنیایی و آخرتی را به من عنایت کند. بزرگوار هستی و بزرگواری را دوست داری و از جانب خدا مأمور به پناه دادن می باشی . در پایان پذیرایی از من ، از خدا بخواه شناخت ، دوستی ، نزدیکی و خوشنودی خود را به من عطا کرده و مرا در دنیا و آخرت به شما ملحق کند و از شیعیان نزدیک و دوستان قدیمی شما بگرداند. تمام این کارها بدست اوست . درود خدا بر شما. آنچه خدا بخواهد (همان شود) و هیچ نیرویی بجز خدا نیست.))

و آنگاه اگر خواست ، می تواند شبش را با سجده به پایان برساند.

آخرین جمعه شعبان

یکی دیگر از اوقات مهم ماه شعبان برای سالک الی الله آخرین جمعه آن است . از کتاب ((عیون)) از ((عبدالسلام بن صالح هروی)) نقل شده که می گوید: در آخرین جمعه شعبان به دیدن ابی الحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) رفتم ، حضرت فرمودند: ((ابا صلت ! بیشتر شعبان گذشت و این آخرین جمعه آن است ؛ کوتاهی گذشته خود را در این ماه جبران کن بسیار دعا و استغفار کن و خیلی قرآن بخوان ؛ و از گناهانت توبه کن ، تا وقتی ماه رمضان می آید مخلص برای خدا باشی و هیچ کینه ای از مؤمنی در دلت نباشد مگر این که آن را از

جواب قانع شده و گفت : جواب خوبی است . و نیز درباره حکمت‌هایی که در قضا و قدر خداوند در شهادت امام حسین (علیه السلام) بوده اندیشیده و بفهمد که مثلا شهادت او (علیه السلام) سببی برای نجات امت و کفاره گناهانش بوده و وسیله ای برای رسیدن به درجات عالی و راه نزدیکی برای شناخت مقام امامشان بوده است . صرف نظر از ثوابهایی که به خود آن حضرت عنایت فرمود و او را به برترین درجات رسانید.

و نیز با تفکر خود به این نتیجه برسد که یکی از ثوابهای عالی و مقامهای بزرگ ، که برای دوستان خدا آماده شده زیارت خداست ، تا مشتاق آن شده و آن را هدف قرار داده و برای بدست آوردن آن همت کرده و برای رسیدن به آن اشتیاق زیادی در او بوجود آید تا در دعای خود که می گوید: وهبني صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک ؛ فرض کن عذابت را تحمل کردم ، جدائیت را چگونه تحمل کنم ؟ راستگو باشد.

(۱۰- سجده و گفتن ذکرهای آن که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده همراه با حضور قلب و با توجه به معانی و دروغ نگفتن در آنچه می گوید. همچنین خواندن دعاهایی که برای بین رکعتهای نماز شب در کتاب اقبال روایت شده . و نیز غفلت نکردن از دعای گرانقدری که در نماز وتر یا بعد از آن خوانده می شود.

(۱۱- محاسبه اعمال این شب . گمان می کنم اگر با آگاهی و خوب حساب کند - بخصوص اگر از هدایت خدا در این مورد کمک بگیرد - باندازه ای از عمل خود استغفار می کند که اگر این شب را خوابیده بود، این مقدار استغفار نمی کرد؛ چون فقط مخلصها از آفتهای عمل مصون هستند و مخلصها را نیز خطر بزرگی تهدید می کند و اگر فرض شود عمل او بدون آفت است باید قیمتی بر آن گذاشته و آن را با یکی از کوچکترین نعمتهایی که خدا به او داده ، مقایسه کند، و ببیند، اگر با ترازوی عدل بسنجد، آیا با این اعمال توانسته است شکر خدا را بجا آورد. و

بین ببری و از هر گناهی که انجام می دهی ، دست بردار. تقوای خدا را پیشه کن و در نهان و آشکارت به او توکل کن ((و کسی که به خدا توکل کند خدا برای او کافی خواهد بود.)) و در باقیمانده این شهر این دعا را زیاد تکرار کن : اللهم ! ان لم تکن غفرت لنا فی ما مضی من شعبان ، فاغفر لنا فی ما بقی منه ؛ خدایا اگر در این مدت که از شعبان گذشته ، ما را نبخشیده ای ، در مدتی که از آن مانده ما را بیامرز؛ زیرا خداوند متعال باحترام ماه رمضان ، در این ماه افراد زیادی را از آتش رها می کند.))

این فرمایشات حضرت (علیه السلام) پیام و دستورالعملی برای اهلش در این مورد و تمام موارد مانند آن است . بنابراین آن را حفظ کرده ، غنیمت بدان و به آن عمل کن .

سه روز آخر شعبان

روزه این سه روز برای کسی که تمام این ماه را روزه نگرفته ، فضیلتی دارد که سزاوار نیست مراقب آن را ترک کند. صدوق از امام صادق (علیه السلام) روایت نموده است : ((کسی که سه روز آخر شعبان را روزه گرفته و آن را به ماه رمضان وصل کند، خداوند روزه دو ماه پی در پی برای او می نویسد.))

اعمال و مراقبات آخر ماهها بجهت اصلاح آنچه که در تمام ماه از بین برده غیر از اعمالی است که در اینجا گفتیم ؛ چنانچه در تمام ماهها به اعمال آخر ماه اشاره کردیم .

یکی از اعمال مهم ماه رمضان در شب آخر شعبان است و آن دعایی است که در کتاب اقبال برای این شب و شب اول ماه رمضان ، روایت نموده است . و اهل آن تکلیف آمادگی برای وارد شدن در میهمانی خداوند متعال را بتفصیل از این دعا می فهمند.

فصل دهم : مراقبات ماه مبارک رمضان